

مطالعه رابطه بین فرهنگ سازمانی و تمکین مالیاتی شرکتی

میثم کریمی^۱، فروزان محمدی^۲*

^۱گروه حسابداری، علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

^۲گروه حسابداری، علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. عضو هیئت علمی واحد کرمانشاه-

Mohamadi.Forouzan@Yahoo.Com

چکیده

با توجه به اهمیت مالیات و درآمدهای مالیاتی در توسعه اقتصاد کشور و تحقق اهداف کلان اجتماعی، شناخت عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی ضرورت بسیاری دارد. شناخت این عوامل به منظور طراحی روش‌های کارآمد برای افزایش درآمدهای مالیاتی، مستلزم درک جنبه‌های گوناگون رفتاری مؤدیان در خصوص قضاوت و تصمیم‌گیری برای تمکین مالیاتی است. از آنجا که تصمیم مؤدیان به تمکین مالیاتی تابعی از هنجارهای فرهنگی است، توجه به تأثیر فرهنگ اهمیت بسیاری دارد. این پژوهش به بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و تمکین مالیاتی شرکتی می‌پردازد. بدین منظور ۴ فرضیه تدوین که به ترتیب فرهنگ سازمانی (فردگرایی، مردگرایی، عدم اطمینان و فاصله قدرت) متغیر مستقل و تمکین مالیاتی متغیر وابسته می‌باشد. در این پژوهش برای سنجش فرهنگ سازمانی، از پرسشنامه فرهنگ هافستد و برای اندازه‌گیری تمکین مالیاتی شرکتی، از معیاری مبتنی بر تفاوت مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌ها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های اداره کل امور مالیاتی مؤدیان شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۵ است. برای پردازش و آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیونی و همبستگی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد اجتناب از عدم اطمینان با تمکین مالیاتی رابطه منفی، فرد گرایی و مرد گرایی با تمکین مالیاتی رابطه مثبت و فاصله قدرت با تمکین مالیاتی رابطه منفی وجود دارد. در نهایت به دولت و سازمان مالیاتی پیشنهاد می‌گردد، به بحث فاصله قدرت و تمکین مالیاتی توجه نمایند زیرا نظام مالیاتی در فرهنگ‌ها نه تنها موجب افزایش عدالت اجتماعی در جامعه نمی‌شود، بلکه بر شکاف طبقاتی بین اقشار جامعه و گسترش بی‌عدالتی می‌افزاید که این امر به‌طور بالقوه انگیزه بیشتری برای عدم تمکین مالیاتی ایجاد می‌کند.

واژگان کلیدی: تمکین مالیاتی، مرد گرایی، فرهنگ سازمانی، فاصله قدرت، فرهنگ سازمانی.

مقدمه

درآمدهای مالیاتی منبع سالمی برای تأمین هزینه‌های حاکمیت در کشورها به شمار می‌روند و برای سرمایه‌گذاری در خدمات اجتماعی و زیرساخت‌های اقتصادی چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، ضروری اند (بمالدر، کولن، مارتین و

پارموت^۱، ۲۰۱۳). اما متأسفانه نتایج بررسی ترکیب درآمدهای دولت ایران نشان می‌دهد میزان درآمدهای مالیاتی در مقایسه با سایر منابع درآمدی همچون درآمدهای نفتی و گازی، بسیار ناچیز است (رسولی و همکاران، ۱۳۸۶). یکی از مه‌ترین راههای افزایش درآمدهای مالیاتی، تلاش برای افزایش تمکین مالیاتی است. افزایش تمکین مالیاتی نه تنها درآمد دولت را بهبود میبخشد، بلکه راهی برای توسعه نظام مدنی پیشرو محسوب می‌شود (ناک و کیفیر^۲، ۱۹۹۷).

بسیاری از مطالعات به بررسی آثار جرایم گوناگون، نر خهای حسابرسی و سایر متغیرها بر عدم تمکین مالیاتی پرداخته‌اند و اغلب نتیجه گرفته‌اند که سطح تمکین یا عدم تمکین مالیاتی را نمی‌توان از طریق شدت قوانین و مقررات و اقدامات الزام‌آور اعمال شده مقامات مالیاتی توضیح داد (پورکانو^۳، ۱۹۸۸). شواهد شایان توجهی نیز مبنی بر اینکه افزایش الزامات مالیاتی می‌تواند تمکین مالیاتی را افزایش دهد، به چشم می‌خورد، اما به طور معمول برخی از انواع جرایم مالیاتی همچون ایزاری برای کنترل پدیده عدم تمکین مالیاتی به کار می‌روند. در برخی کشورها مجازات‌های سنگینی از جمله جرایم مالی و حتی زندان نیز در نظر گرفته شده است. پژوهش‌ها نشان داده اند که حتی با وجود حسابرسی‌های شدید و وضع جرایم سنگین، کاهش درآمد دولتها از طریق عدم تمکین مالیاتی، به تهدید شایان توجهی برای اقتصاد برخی کشورها تبدیل شده است (تیساکومیس و همکاران^۴، ۲۰۰۷).

علاوه بر این، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند تفاوت‌های مشاهده شده در سطح تمکین مالیاتی بین کشورها و فرهنگ‌های مختلف، ارتباطی به تفاوت در قوانین و الزامات مالیاتی آنها ندارد. بنابراین افزایش تمکین مالیاتی، تنها منوط به استفاده از ابزار قانونی و جرایم سنگین یا افزایش حسابرسی‌های مالیاتی نیست؛ چراکه جرایم سنگین مالیاتی ممکن است با ایجاد محیطی ناسالم و ترویج رشوه‌خواری و فساد، به اخذ نتیجه کاملاً معکوس منجر شوند. در چنین وضعیتی، نه تنها تمکین مالیاتی مؤدیان بیشتر نمی‌شود، بلکه اعتماد عمومی

1 - Bmalder, Cologne, Martin and Prmvth

2 - Nac and Kifir

3 - Pvrkanv

4 - Tysakvmys et al.